



آغاز کارگاه ملی کتیبه و پرچم رضوی در مشهد



گروه هنر

اولین کارگاه ملی طراحی کتیبه و پرچم رضوی از دیروز در بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی مشهد آغازبه کار کرد. در این کارگاه سه روزه استادان بنامی مانند مسعود تجا بئی، روح ...، ابوالفضل، محمد روح الامین، علی حیاتی، مهدی سهرابی نصر،

محمدرضا چیت ساز، مجید فیضی راد و فاطمه اخوان حضور دارند. این کارگاه نیز با هدف آماده سازی هنرمندان و ارتباط مؤثر آن ها با اسانید برای شرکت در جشنواره رضوی برگزار شده است. حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد قاسم پور، قائم مقام بنیاد بین المللی امام رضا^(ع)، در گفت وگو با شهرآرآ درپاره این رویداد توضیح داد: «این کارگاه سه روزه از چهارشنبه آغازبه کار کرده است و تا بعدازظهر جمعه، پانزدهم اردیبهشت، ادامه خواهد داشت. طراحان و هنرمندانی که از سراسر کشور برای حضور در کارگاه ملی طراحی کتیبه و پرچم رضوی آماده اند، منتخبی از پذیرفته شده ها و کسانی هستند که دبیرخانه دعوت کرده است.

او با اشاره به اینکه بخش طراحی کتیبه و پرچم رضوی اولین بار است که به جشنواره های بین المللی امام رضا^(ع) اضافه شده است، بیان کرد: «خوشبختانه این بخش با استعقال خوبی روبه رو شده و هنرمندان در این سه روز زیر نظر استادان آموزش می بینند و به تولید کار و کتیبه می پردازند.»

قائم مقام بنیاد بین المللی امام رضا^(ع) ادامه داد: «بخشی از آثار پذیرفته شده و منتخب این کارگاه در دهه کرامت در حرم امام رضا^(ع) اکران می شود. ستاد دهه کرامت در کلان شهرها نیز پای کار آمده است تا دیگر آثار هم در شهرهای گوناگون اکران شود.»

علی حیاتی، دبیر اجرایی این بخش، نیز در حاشیه مراسم افتتاحیه کارگاه ملی طراحی پرچم و کتیبه رضوی در مشهد بیان کرد: «موضوع کتیبه و پرچم در پنج سال گذشته در جشنواره بین المللی امام رضا^(ع) مغفول مانده بود و امسال بنا را بر آن گذاشتیم تا با محوریت امام رضا^(ع) و به مناسبت دهه کرامت اقدامی را در قالب نخستین جشنواره ملی انجام دهیم.» به گفته او، از مجموع سیصد متقاضی حضور در کارگاه های این جشنواره، هشتاد نفر از سراسر کشور و در رشته های گرافیک، تصویرسازی، خوش نویسی، طراحی نقوش اسلامی و... پذیرفته شدند که در سه روز زیر نظر استادان و مربیان متخصص فعالیت خواهند کرد.

لازم به ذکر است که اول خرداد امسال هم زمان با آغاز دهه کرامت رونمایی از آثار صورت خواهد گرفت و اختتامیه جشنواره گرافیک در قم برگزار می شود. درنهایت منتخبان همه رشته ها در شب میلاد امام رضا^(ع) در مشهد قدردانی می شوند.



بازیگر فیلم «غریب» درگذشت



حسام محمودی، بازیگر جوان سینما و تلویزیون، در سن سی و هفت سالگی درگذشت. به گزارش شهرآرآ، به نقل از مازیار میری، کارگردان سینما، حسام محمودی دوازدهم اردیبهشت بر اثر ایست قلبی در منزلش از دنیا رفته است. محمودی که این روزها فیلم سینمایی «غریب» را روی پرده سینماها دارد، نخستین بار با سریال «گاهی به پشت سر نگاه کن» مازیار میری بازیگری را شروع کرد و با مجموعه «گرگ ومیش» همایون اسعدیان به شهرت رسید. فیلم «عطرآلود» هادی مقدم دوست در کنار فیلم «غریب» از آخرین آثار این بازیگر در جشنواره فجر پارسال بودند. «مرتضیسم عاق و طویا»، «آستigmat»، «سد معبر»، «مرگ ماهی»، «امروز»، «حد سکوت»، «مردن به وقت شهرپور»، «شب بیرون» و «خسته نشاید»!، از دیگر فیلم های سینمایی این بازیگر بودند.

ادامه تصویربرداری هادی در تهران



۳۰ درصد از تصویربرداری فصل نخست سریال «هادی» به پایان رسیده و ادامه این سریال در حومه استان تهران در حال تصویربرداری است. به گزارش شهرآرآ و به نقل از روابط عمومی شبکه ۲، سریال «هادی» با هدف معرفی یکی دیگر از شهدای مدافع حرم، دوران نوجوانی تا بزرگ سالی یکی دیگر از این بزرگ مردان را به تصویر می کشد. در این سریال، هدایت هاشمی، نسرين بابایی، حسین رفیعی، بهار نوحیان، شهنشاه تسلیمی، جواد خواجهی، مجید پتکی، شهرزاد آقایی پور، افشین آقایی و حسین اوجاقلو به ایفای نقش می پردازند و در هفته های آینده، بازیگران جدیدی نیز به سریال اضافه خواهند شد. این سریال که پیش از این در پل خشتی شهرستان لنگرود و لاهیجان مراحل تصویربرداری خود را طی می کرد، هم اینک در جاده های شهریار و رباط کریم استان تهران در حال ادامه مرحله تصویربرداری است و برای تصویرسازی مرتبط با دهه ۷۰ دوره زمانی این سریال است. تیم طراحی دکور مشغول دکورسازی بخش های جدید این سریال هستند. سریال «هادی» از تولیدات تازه گروه فیلم و سریال شبکه ۲ سیماست که در سی قسمت در حال تهیه و تولید است.



شنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۹۹ شماره ۳۳۲۲

۱۱



عکس:خبریت هاشمیان

دیدن یک تئاتر کمدی روحوضی در عروسی توی محله شان در کوچه حسین باشی، فهمید که برای بازیگری آفریده شده است. از آن به بعد هیچ وقت رؤیای تئاتر را رها نکرد و حالا خودش بخشی از تاریخ تئاتر مشهد شده است. حسین طاهری در دهه هشتم زندگی اش و پس از بیش از نیم قرن کار هنری، سال ۱۴۰۰ مدرک درجه یک هنری (معادل دکتری) را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد. با این هنرمند پیشکسوت تئاتر مشهد در حاشیه تمرین تئاتر «پارازیت، به کارگردانی سمیرا نوغانی که این شب ها در فرهنگ سرای ترافیک روی صحنه است، گفت وگو کردیم.

نبود. من یک بار برای تئاتری یا تلوی تئم را فروختم. ولی الان موقعیت تئاتر خیلی بهتر شده است. سالن دارند. نور دارند. با این حال کار مهمی انجام نمی شود. چند نفر انگشت شمار خوب کار می کنند و بقیه فقط خوب ژست می گیرند.

● دلیل این پسرقت را چه می دانید؟

باید آسیب شناسی شود. کسی که می خواهد ماهی بگیرد، اول می رود دوره ماهی گیری را می گذراند. ولی در تئاتر هرکسی سرش را پایین انداخته و آمده است. اگر از بعضی بازیگرها بخواهی بیشتر از پنج حس نشان دهند، نمی توانند. درحالی که بازیگر باید دوازده حس را بشناسد. نه فقط جوان ها، خیلی از پیشکسوت ها هم همین طورند.

● فکر می کنید مشکل از آموزش است؟

بله، مشکل از پایه است. ما در بازیگری نسبت به بقیه دنیا یک نقطه قوت خیلی عالی داریم. آن هم این است که چهره های مختلفی داریم. تنوع چهره ایرانی ها خیلی است. ولی چین یا ژاپن را ببینید، کشورهای آسیایی به طور کل، یا حتی خود آمریکا، آن قدر تنوع چهره ندارند. ولی، از این ظرفیت خوب استفاده نمی کنیم.

● ارتباط بین نسل قدیم و جدید تئاتر چقدر حفظ شده

است؟
این روزها بخشی از این مشکلات به علت کم رنگ شدن

این ارتباط است؟

آن ها (نسل جوان) دنیایشان با ما فرق دارد. وقتی با آن ها صحبت می کنیم، به دلیل اینکه پشتیبانی محتوایی ندارند و اطلاعاتشان کم است، نمی توانیم با هم صحبت کنیم. نسل جوان بی انگیزه است و آن آتجا که با نسل پیشکسوت پیش از خودش ارتباطی ندارد، آموزش ها به صورت تجربی به او منتقل نشده است. هنرمند اگر از جغرافیای جایی که در آن زندگی می کند جلو بزند، نخبه می شود. ما سالیان سال به نام «قصه های آبادی» و با یک هنرپیشه معروف که از تهران آمده بود، هم بازی بودم. بعد نمایش برای من کف می زدند، با اینکه او خیلی خوش تیپ و معروف بود. علنش این بود که من جغرافیای بازی را می دانستم و او نمی دانست. او آمده بود نقش آن را در مشهد بازی می کرد. منظورم لهجه نیست، من خودم در همه لهجه ها استادم. منظورم از جغرافیا این است که در بازی، فضا را حفظ کنیم. مثل این است که جبهه نرفته باشی و بخواهی درباره جبهه بنویسی. جغرافیا یعنی چیزی را ببینی و بشناسی و بعد نقش آن را کار کنی.

● این روزها کمترم پیشکسوت های تئاتر را در سینما و در کارهای جوان ها می بینم. چرا این دوری اتفاق افتاده است؟
الان دو نوع هنرپیشه خیلی کم اند، یکی بازیگر مرد پایه سن و دیگری خانم پایه سن که خوب بازی کنند. چون بازیگرها یی به سن گذاشته خوب کم داریم، نویسنده ها بر مبنای بازیگران موجود می نویسند. یعنی با توجه به داشته هایشان می نویسند. این خوب نیست، نویسنده نباید بر مبنای داشته بنویسد، بلکه باید بر مبنای اتفاق بنویسد.

● بازیگر خوب کم داریم یا اینکه از بازیگران خوب کم

استفاده می شود؟

کم داریم. این غلط است که من خودم بازی کنم، بعد به طرف بگویم مثل من بازی کن. بازیگر با جنس بازی خودش باید بازی کند. خیلی از بازیگران ما ادای هنرپیشه های معروف را درمی آورند، یکی خسرو شکیبایی را بازی می کند و یکی مارلون براندو، همه بازی هایشان مثل هم است، ولی یک جایی به اشکال برمی خورند. جنس بازی من مال خودم است و از هیچ جایی نگرفته ام.

● یعنی دلیل اینکه کمتر از پیشکسوت ها در تئاتر، سینما و تلویزیون استفاده می شود، این است که خود آن بازیگران

آن قدر توانایی ندارند؟

آن پیشکسوت هایی که کار بلدند، یا کنار گذاشته شده اند، یا اینکه پیر شده اند و نمی توانند بازی کنند. نه صورت دارند و نه چشم و ابرو. پیشکسوت ها بیشترشان یا فشار خون دارند، یا قند. به آن ها می گویند بیا تدریس کن. بعد چقدر می دهند؟ قدر و منزلشان را نمی دانند و آن ها هم با هر پولی نمی روند، به همین علت پیشکسوت ها منزوی شده اند و گویی مرده اند. تعداد کمی هستند که به دلیل داشتن پارتی و مسائل دیگر هر طور شده است، خودشان را جا کرده اند. این ها حرف های نگفته ای است که خیلی از پیشکسوت ها در دل شان نگه داشته اند. خیلی به است که ناخدا ی کشتی در خانه خودش در آب خفه شود.

است. نمی دانم چه می شود که من این طوری می شوم. نمایش که تمام می شود و از روی صحنه پایین می آیم، باز همان آدم قبل می شوم.

● در حوزه مفاهیم رضوی هم زیاد کار کرده اید. این حوزه به نظرتان چقدر ظرفیت کار دارد و چرا کمتر کار می شود؟ آیا به استقبال مخاطب برمی گردد یا اینکه فکر می کنید این نوع کار به

امکانات و بودجه بیشتری نیاز دارد؟

فرماندهای سرباز را صادره. به او گفت: چرانمی جنگی؟ سرباز گفت: به هزار دلیل. گفت: یکی اش را بگو! سرباز گفت: فشنگ نداشتم. فرمانده گفت: خب بقیه اش را نمی خواهی بگویی. حرف این است که در تئاتر باید پول بول بریزیم. تئاتر فقیر خیلی بد است. تئاتر باید از فقر باشد، ولی خودش نباید فقیر باشد. تئاتری که من میل دکورش را از دختر خاله ام بگیرم و صدنلی اش را از عمه ام و رادپواش را از دوستم، تئاتر نیست. در تئاتر رضوی عظمت آقا امام رضا^(ع) را باید نشان دهیم. ما در اروپا روی صحنه رفتم و جایزه هم گرفتم، ولی تئاتری بود که ضعیف کار شده بود. ضریح را با توپ های تخم مرغی که رنگ طلایی خورده بودند، درست کردیم، درحالی که قدر و عظمت آقا خیلی بالااست. این همه پول و درآمد در مشهد وجود دارد، اما کارهایی که می شود، اصلا در شأن حضرت نیست.

● از لحاظ محتوایی چطور؟ با توجه به اینکه ما در شهر امام رضا^(ع) هستیم، این ظرفیت محتوایی وجود دارد که تئاتر

رضوی به پرند تئاتر مشهد تبدیل شود؟

بله، بی شک این ظرفیت وجود دارد، ولی باید برای آن برنامه ریزی و کار شود. اول از همه باید آسیب شناسی شود. فرهنگ رضوی از لحاظ محتوایی ظرفیت های غنی ای دارد که می تواند ایده های جذابی را در تئاتر تزریق کند، ولی همه چسپیده اند به داستان ضامن آهو، یعنی اگر بخواهیم تئاتر رضوی را آسیب شناسی کنیم، بخش اول آن بودجه است. بخش بعدی نیروی انسانی ضعیف است، خیلی از آدم هایی که تئاتر رضوی کار می کنند، اطلاعات تاریخی ندارند. چون مطالعه نمی کنند.

● این تقصیر خودشان است یا سازمان هایی که باید به آن ها خوراک فکری بدهند؟ به خصوص درباره جوان ها، چطور می توان آن ها را به این حوزه ترغیب کرد؟
این تقصیر خودشان است، ولی به علت مشکل ها هایم نمی توانم. در هر وقت اوضاعم خراب می شود، می روم سینما و تلویزیون (خنده). به طور کلی کارهای تصویر یول دارد، اما تئاتر هیچی ندارد. تئاتر را برای دلم و تصویر را برای پول کار می کنم. البته اکنون همه کارها خوابیده اند، به من خیلی رنگ زدند برای کار سینما، از مشهد، تهران و شهرهای دیگر، ولی به علت مشکل ها هایم نمی توانم. در یکی از با هایم ترکشی از جنگ به جا مانده است که اگر آن را عمل کنم، از همین راه رفتن نیم بند هم می مانم.

● در تئاتر و کارهای تصویری با کارگردان های زیادی کار کرده اید. کار با کدام یک از آن ها برای شما دل نشین تر بوده است؟

چند کارگردان هستند که خیلی با اخلاق اند و من هیچ وقت با آن ها قرارداد نمی بندم. چون می دانم که

خودشان به موقع، به عدالت و با احترام دستمزد را

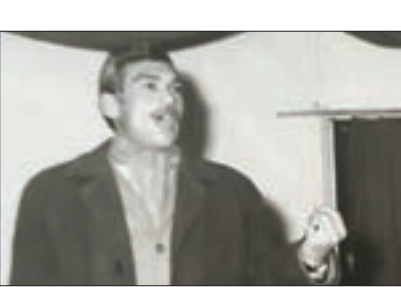
در پاکت به من می دهند. من هشت جایزه بین المللی

دارم که با کارهای مهدی سیم ریز گرفته ام. دیگری هم

جواد رحیم زاده است.

● با اینکه دنیای تصویر را هم آزموده اید، ولی باز به تئاتر وفادار بوده اید. دلیل این وفاداری چیست؟

هر چیزی که کات بخورد، برای من پذیرفتنی نیست. چون آن حس مداومت را ندارد و شیرین نیست. تئاتر به این دلیل به آدم خیلی جان می دهد که حسش مداومت دارد، رنگ و شکل دارد. حتی میمیک صورت حس دارد، من وقتی روی صحنه می روم، تماشاگر را مجاب می کنم که قبول کند قصه ای که روی صحنه روایت می شود، اتفاق افتاده است. پیش از آن خودم را مجاب می کنم. در تئاتر گریه به جاست، خنده به جاست. این قشنگ است. من روی صحنه تئاتر زندگی می کنم، روی صحنه اصلا درد پایم را حس نمی کنم. این قدرت هنر



لیلی از حضور حسین طاهری در آثار درخشان او تصویر

حسین طاهری، پیشکسوت تئاتر مشهد، می گوید برای بازیگرشدن باید اول درد جامعه را شناخت

روی صحنه تئاتر زندگی می کنم



الهام ظریفیان

با اشتیاقی آمیخته به غرور، عکس جوانی اش را نشان می دهد و می گوید: «جیمز دین را می شناسید؟ شبیه جیمز دین بودم، خوش پروروا، می گویم، چقدر عوض شده اید!، می گوید: «آره... شکسته شدم. خیلی از دوستانم در جنگ رفتند. اذیت شدم.» بازی نشسته نیروی هوایی ارتش است و هشت سال دفاع مقدس را در جنگ بوده است؛ دقیق ترش ۲هزار و ۸۸۱روز. متولد سال ۱۳۲۲ در فریمان است. چون پدرش نظامی

● شما در گفت وگویی بیان کردید که وقتی وارد نیروی

هوایی شدید، از تئاتر حرفه ای فاصله گرفتید. از زمان به تئاتر به عنوان شغل نگاه نمی کردید؟

در آن زمان نه من ونه جامعه، تئاتر را شغل نمی دانستند. شیوه زندگی ما آن گونه نبود که بخواهیم در تئاتر شغل داشته باشیم. در مشهد تئاتر گلشن داشتیم که چند هنرمند مثل اصغر میرخدیوی، اصغر قفقازی و بقیه به شیوه کاراژی کار می کردند، یعنی یک نفر یک چیزی می گفت، بقیه از خنده ریه می رفتند. برنامه مشخصی نداشتند. الان که من درش را خوانده ام، می دانم که

بیش از شصت نوع کمدی داریم. من اگر می خواستم

در تئاتر کار کنم، یعنی شغلم تئاتر باشد، باید می رفتم

تئاتر گلشن کار می کردم. ولی مگر پدرم اجازه می داد؟! به طور کل با تئاتر گلشن مخالف بود، چون فکر می کرد

کلاس ندارد. بیشتر فعالیت تئاتری من در نیروی هوایی بود. برای مناسبت های مختلف نمایشنامه می نوشتم و کارگردانی می کردم و روی صحنه هم می رفتم.

● آن سبک زندگی نظامی که از کودکی به دلیل شغل پدربا آن عادت داشتید، آن نظم و انضباط که همیشه در زندگی تان بوده است، چقدر در کار تئاتر شما تأثیر گذاشت؟

نظم با انضباط فرق دارد. نظم چیدمانی دارد که باعث می شود در همه کارها آدم موقتی شویم. وقتی شما با نظم کار کنید، آجر به آجر کارتان را جلو می برید و درنهایت یک ساختمان منسجم شکل می گیرد. انضباط اما چیز دیگری است. من هیچ گاه انضباط ارتش را وارد خانه ام و هنرم نکردم، ولی نظم را از ارتش یاد گرفتم و در تئاتر به کار بردم. مثلا من در کار هنر اصلا وارد حاشیه نمی شوم. این را همه می دانند. به واسطه کار

در ارتش، خشونت را شناختم و توانستم حس ها و شخصیت ها را خوب بشناسم. مثلا در تئاتر «سردسیر» نقش یک افسر روس را داشتم که خیلی خشن بود و با خون سردی آدم می کشت. من چون در ارتش با این تیپ شخصیت آشنا بودم، توانستم در «سردسیر» موفق باشم. آدم معمولی نمی توانست. باید این شخصیت ها را از نزدیکی می شناخت. مثل این است که جبهه نرفته باشی و بخواهی در باره جبهه بنویسی یا نقش رزمند را بازی کنی. در یکی از صحنه های فیلم سینمایی «کویر» که من در آن بازی کردم، تیر می خورم، لباسم پاره می شود خون بیرون می زند. در آن صحنه من وقتی تیر می خورم، زانو زدم و خیلی طبیعی روی زمین افتادم. کارگردان گفت چرا به جای زخم ت نگاه کردی؟ گفتم: من در جنگ دیده ام هرکسی که گلوله می خورد، اول به جای آن نگاه می کند. کارگردان این را نمی دانست. بعد از من پرسید: لبها را سفید کنیم؟ گفتم: نه، لبها باید ترک خورده باشند، انگار که خشک شده است. چون کسی که تیر خورده است، تشنه می شود.

● چه استفاده هایی از تئاتر در کار خودتان کردید؟ آن خلافت و ذوق هنری که شما به واسطه کار در تئاتر داشتید، در شغلان چه تأثیری می گذاشت؟

در دانشکده، افسری داشتم که حرف جالبی می زد. می گفت: ابر شو، ولی نابار! چون اگر قرار باشد بباری، روزی چند نفر را باید اعدام کنی. در ارتش من فقط فیکور ارتشی و خشونت و جذبه را داشتم که خوب هم بود و جواب می داد. این را از تئاتر داشتم.

● یعنی به نوعی در زندگی واقعی تان هم بازی می کردید. همه ما بازیگریم. آن بچه کوچکی که کودکانه خاله بازی می کند، در حال نقش بازی کردن در زندگی واقعی است. بعضی ها همان بازی کودکی را تقویت کردند و بازیگر شدند و بعضی ها وسط راه هایش کردند و رفتن سراغ زندگی شان.

● شما ۵۳سال در تئاتر مشهد کار کردید. یعنی بیش از نیم

قرن. زندگی شما در این مدت چه سیری داشت؟

در این فاصله من پخته شدم و در مهارست یاد گرفتم. از جوانی خوب می نوشتم، ولی الان ادبیات را تفکیک می کنم و می دانم کدام واژه را کجا به کار ببرم. به این

پختگی می گویند.

● کدام سال ها در این ۵۳سال به نظر شما دوره اوج تئاتر

مشهد بود؟

در برهه ای تئاتر مشهد خیلی رونق گرفت. در دهه های ۶۰ و ۷۰ بازیگران خوبی آمدند، به ویژه خانم ها در تئاتر خیلی قدرتمند شدند. پیش از انقلاب اسلامی زنان در تئاتر خودشان را پیدا نکرده بودند. اما پس از انقلاب اسلامی از یک جایی به بعد با سرعت زیادی رو به جلو پرتاب شدند. زنان بازیگران توانمندی هستند. دلیلش این است که با حجاب چنان بازی می کنند که اسکار می گیرند. با داشتن حجاب ثابت کردند که «ما هستیم و وجود داریم». این خیلی افتخارآمیز است. مردها هم همین طورند، ولی زن ها می خواهند دیدگاه ها دربارۀ خودشان را عوض کنند و بعد اینکه جغرافیا از هر کسی یک چیزی می سازد. مثلا زن های شمال خیلی پر قدرت تر